




Irano-Islamic Research in Politics, Vol.2, No3, 55-76.

 [20.1001.1.28212088.1402.2.2.1.0](https://doi.org/10.1001.1.28212088.1402.2.2.1.0)

## Analysis of the components of physical governmentality in Mirza Malekom Khan's political thought<sup>1</sup>

bigom naseri<sup>2</sup>

Somayeh Hamidi<sup>3</sup>

Hossain farzanepour<sup>4</sup>

### Abstract

*The structure of pre-constitutional political power reflects metaphysical governmentality. With the arrival of modernity in Iran, some components of physical governmentality under the name of constitutional government were considered in the minds of intellectuals. The intellectuals of this period knew the reasons for the backwardness of the country and the progress of the West in the differences between the foundations of the governmentality. Among these intellectuals is Mirza Malekom Khan. He sought to lay the groundwork for government reform in Iran. Thus, he tried to correct the shortcomings and make the political system more efficient by criticizing power, and this led to the comparison of the pre-modern, pre-modern society and authoritarian government with the democratic and legitimate West. This descriptive-analytical method and using the main text of Malkom Khan's works seeks to analyze the principles of modern governmentality in his mind and explain the transition to mechanical rule based on law and order in the mind of this intellectual. The result of the present article is that Malkom Khan was a pioneer and propagandist of modernism and considered the solution to get out of Iran's backwardness in adhering to the monarchy, following the idea of freedom and the rule of law and accepting the modern system of government.*

**Keywords:** *governmentality, Foucault, Modern, Malekom Khan, Qajar*

---

<sup>1</sup> . Received: 2022/11/8; Accepted: 2022/12/29; Printed: 22/11/2023

<sup>2</sup> Master of Political Science, Faculty of Literature and Humanities, Birjand University, Birjand. bigom.naseri@birjand.ac.ir

<sup>3</sup> . Associate Professor, Department of Political Science, Faculty of Literature and Humanities, Birjand University, Birjand. (Corresponding Author) somaye.hamidi@birjand.ac.ir

<sup>4</sup> . Department of Political Science, Faculty of Literature and Humanities, Birjand University hfarzanepour@birjand.ac.ir



سیاست پژوهی اسلامی ایرانی، سال دوم، شماره سوم (پیاپی هفتم) پاییز ۱۴۰۲، ۵۵-۷۶.

## واکاوی مؤلفه‌های حکومت‌مندی فیزیکال در اندیشه سیاسی میرزا ملک‌خان<sup>۱</sup>

بیگم ناصری<sup>۲</sup>  
سمیه حمیدی<sup>۳</sup>  
حسین فرزانه پور<sup>۴</sup>

### چکیده

ساختار قدرت سیاسی پیشامشروطه نمایانگر حکومت‌مندی متافیزیکی است. با ورود تجدد به ایران برخی از مؤلفه‌های حکومت‌مندی فیزیکی تحت عنوان حکومت مشروطه در ذهنیت روشنفکران مورد توجه قرار گرفت. روشنفکران این دوره علل عقب‌ماندگی کشور و پیشرفت غرب را در تفاوت بن‌مایه‌های حکومت‌مندی می‌دانستند. از جمله این روشنفکران میرزا ملک‌خان است. وی کوشید پایه‌ای برای اصلاحات حکومت در ایران به وجود آورد. او با نقد قدرت، به اصلاح نقایص و کارآمد کردن نظام سیاسی پرداخت و این امر سبب مقایسه جامعه پیشاقانون، پیشامدرن و حکومت استبدادی با غرب دموکراتیک و قانونمند شد. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از متن اصلی آثار ملک‌خان، درصدد است تا مبانی حکومت‌مندی مدرن را در اندیشه وی مورد واکاوی قرار دهد و گذار به حکومت‌مندی مکانیکی مبتنی بر نظم و قانون را در اندیشه این روشنفکر تبیین کند. دستاورد نوشتار حاضر آن است که ملک‌خان پیشرو و مبلغ تجددخواهی بود و راه‌حل بیرون‌آمدن از عقب‌ماندگی ایران را در پابندی به حکومت سلطنتی، پیروی از اندیشه آزادی‌خواهی و حکومت قانون و پذیرش نظام حکومتی مدرن می‌داند.

**واژگان کلیدی:** حکومت‌مندی، فوکو، مدرن، ملک‌خان، قاجار.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۸/۱۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۸؛ تاریخ چاپ: ۱۴۰۲/۹/۱

۲. کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند، بیرجند  
bigom.naseri@birjand.ac.ir

۳. دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند، بیرجند (نویسنده مسئول)  
somaye.hamidi@birjand.ac.ir

۴. گروه علوم سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند  
hfarzanepour@birjand.ac.ir

## مقدمه

در ایران به دلیل ساخت قدرت و سایر ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی، رابطه میان دولت و مردم بر مبنای آمریت حکومت و اطاعت مردم استوار بود. به مرور بر اثر تحولات غرب و آشنایی روشنفکران با اندیشه‌های غربی در این زمینه تحولی پدید آمد. این روشنفکران پس از آشنایی با تمدن غرب درصدد برآمدند تا اصول و مفاهیم دولت مدرن را در جامعه ایران مطرح کنند. به این منظور به تألیف رساله‌ها، کتب، روزنامه‌ها و ترجمه کتاب‌هایی در این زمینه پرداختند. محدودیت‌هایی که شرایط جامعه ایران برای روشنفکران ایجاد کرده بود، سبب شد آنان شاخص‌های حکومت‌مندی مکانیکی را مطابق با شرایط سیاسی و اجتماعی جامعه ارائه دهند. به این ترتیب شماری از روشنفکران با مقایسه ایران و اروپا، لزوم ایجاد تحولاتی مانند آنچه را در جهان رخ داده بود برای ایران احساس می‌کردند. ملکم‌خان از جمله روشنفکرانی است که با اصول دموکراسی، دولت ملی، قرارداد اجتماعی، قانون اساسی، تفکیک قوا، نهادهای علمی، جامعه مدنی و حقوق بشر در سرزمین‌های اروپایی آشنایی پیدا کرده و به مقتضای ادراک و ذهنیتش از تجدد اروپا و ویژگی‌های دولت مدرن، به نقد ساخت قدرت و ارائه الگوی بدیل پرداخته است. روش این پژوهش کیفی و بر مبنای استخراج داده‌ها از رسایل اصلی ملکم‌خان است. نوشتار حاضر با هدف درک ماهیت و مؤلفه‌های حکومت مدرن در اندیشه ملکم‌خان نگاشته شده است. دغدغه اصلی این مقاله، پاسخ‌گویی به این پرسش است که مؤلفه‌های حکومت مدرن در اندیشه ملکم‌خان چه بوده و او چه ادراکی از شیوه حکومت جدید داشته است؟

درباره پیشینه پژوهش باید گفت درباره اندیشه ملکم‌خان هرچند آثاری نگاشته شده است که عمده‌ترین آنها تجددطلبی و توسعه در ایران معاصر اثر موسی غنی‌نژاد (۱۳۷۷) و مبنای دولت مدرن در اندیشه متفکران عصر مشروطه از شاه‌محمدی (۱۳۹۴)، دین و روشنفکران مشروطه از غلامرضا گودرزی (۱۳۸۳) و روشنفکران ایران در قرن بیستم از علی قیصری (۱۳۹۳) هستند که به بررسی وجوه اندیشه ملکم‌خان پرداخته‌اند، ولی اشارات پراکنده و توصیفی در این آثار بیشتر در قالب حکومت قانون، علل عقب‌ماندگی ایران، آزادی‌خواهی و حکومت قانون است؛ اما پژوهشی کامل در مورد مفهوم حکومت‌مندی مدرن در اندیشه ملکم‌خان در چارچوب این پژوهش صورت نگرفته است.

## رویکرد نظری

تعریف اصطلاح Governmentality دشوار است و در زبان فارسی هنوز معادلی برای آن نمی‌توان یافت. ترجمه آن به حکومت‌مندی نیز مانند سایر ترجمه‌ها (نظیر حکومت‌داری، طرز تفکر حکومت یا ذهنیت حکومت) کامل نیست. حکومت‌مندی مفهوم نوظهوری در حوزه نظریه سیاسی است که در کار فوکو و پیروانش مشاهده می‌شود و ترکیبی از جنبه‌های مختلفی از تحلیل سیاسی و فلسفی را داراست و با مفاهیمی نظیر عقلانیت حکومتی و فنون حکمرانی مرتبط است (یحیوی، ۱۳۹۴، ۱۲۰-۱۱۹). به این ترتیب در تعریف حکومت‌مندی می‌توان گفت که حکومت‌مندی به اعمال کردن و محدود کردن قدرت در جامعه بشری می‌اندیشد. موضوع حکومت‌مندی، فکرکردن عملی و استراتژیک در باب بازی‌های قدرت در سطوح ریز و کلان است. به عبارتی دیگر شیوه فکرکردن در باب حکومت و نزدیک کردن ایده‌های آرمانی به واقعیت از طریق تکنیک‌های اعمال و محدود کردن قدرت در حیطه‌های زندگی جمعی انسان را حکومت‌مندی می‌نامند (اسلامی و خواجه سروی، ۱۳۹۲، ۳). در این شیوه نگرش، قدرت به لحاظ عملیاتی شدن باید وجوهی از خرد تکنولوژیک را به همراه داشته باشد و حد وسط ذهنیت سیاسی و عینیت امر عمومی به لحاظ تأثیرگذاری وجوه تکنیکی در نظر گرفته شود (آبدی، ۱۳۸۸، ۴۲). از این‌رو حکومت‌مندی به نزدیک کردن اندیشه‌ها در سطح واقعیت می‌اندیشد و در واقع فکر عملی در باب حکومت است. حکومت‌مندی با اندیشیدن به امکانات، به بررسی شیوه‌های اجتماعی رفتار جمعی بشر در باب قدرت می‌پردازد (پروکاک، ۱۳۸۸، ۱۹۴).

با این وجود اصطلاح حکومت‌مندی که در زبان فرانسه *gouvernementalite* نامیده می‌شود، مفهومی است که اولین بار میشل فوکو در اواخر سال‌های زندگی‌اش، از آن استفاده کرد. او در سخنرانی‌های ۱۹۷۸ و ۱۹۷۹ در کالج فرانسه مدعی شد که «ما در عصر حکومت‌مندی زندگی می‌کنیم». فوکو در این سخنرانی که با محوریت دیدگاه تبارشناسی دولت مدرن برگزار شد، از مفهوم حکومت‌مندی به عنوان ابزار یا رهنمودی برای تحلیل استفاده کرد که بر پیوند بین اشکال حکومت و عقلانیت یا سبک‌های اندیشه (درباره حکومت کردن) تأکید دارد و اعمال حکومت را توجیه، مشروع و عقلانی جلوه می‌دهد (جلایی‌پور و دیگران، ۱۳۹۱، ۱۷۴). در واقع او تلاش کرد تا تفسیری سیاسی از این مفهوم ارائه دهد.

به این ترتیب حکومت‌مندی به دو دوره حکومت‌مندی در عصر متافیزیک و فیزیک تقسیم می‌شود. عامل اصلی در تفاوت الگوهای اعمال و محدودکردن قدرت به فناوری‌های قدرت در هر یک از دو دوره بازی‌گردد. بر این اساس حکومت‌مندی متافیزیکی شیوه‌های عملی قدرت اغلب کیفی و اندرزی است و شیوه‌های مکانیکی و فیزیک قدرت، اغلب کمی و بوروکراتیک است (اسلامی و خواجه‌سروی، ۱۳۹۲، ۵). گذار از وضعیت متافیزیکال به فیزیکال عنصر اصلی این تمایز است. به این ترتیب حکومت‌مندی فیزیکی یا مدرن توانست تکنیک‌هایی در عرصه سیاست خلق کند که این تکنیک‌ها باعث فرارفتن از کیفیت و صفات حکمرانی می‌شد. ذهنیت به عینیت نزدیک می‌شد و با خلق تکنیک‌های کاملاً مشخص و علمی سعی شد عرصه‌های سیاسی از جنگ، خشونت و عصبیت‌های فردی به دور باشد. این تکنیک‌ها دارای شاخصه‌هایی بودند که چندین قرن با حفظ مبناها و بنیادهای فکری تنها با تغییرات جزئی، تداوم پیدا کردند (اسلامی، ۱۳۹۴، ۱۸۳). برخی از اصلی‌ترین تکنیک‌های حکومت‌مندی شامل دولت ملی، قانون اساسی، قرارداد اجتماعی، دموکراسی، تفکیک قوا، نهادهای علمی، جامعه مدنی و حقوق بشر می‌شود. در این راستا رویکرد حکومت‌مندی فوکو را در تحلیل مسائل گوناگون به کار برده است و توانسته موضوعات محوری این ادبیات را در سه محور عقلانیت‌ها، تکنولوژی‌ها و سوژه‌های حکومت دسته‌بندی کند. در ادامه مؤلفه‌ها و موضوعات حکومت‌مندی مدرن در اندیشه ملکم‌خان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### مؤلفه‌های حکومت‌مندی مدرن در اندیشه ملکم‌خان

میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌های فکری عصر ناصری بود. او در دوران زندگانی خود مناصب مهمی در دربار قاجار داشته است. او مؤسس لژ فراماسونری انجمن فراموشخانه در ایران است (اصیل، ۱۳۷۶، ۲۳). ملکم‌خان در طول زندگی خود با سیر نوخواهی و جنبش‌های مشروطه‌خواهی در کشورهای اروپایی را از نزدیک دید. از این‌رو در آثار متعدد خود سیر نوخواهی و ارزش‌های نو اروپا را مورد بحث قرار داده و لزوم اصلاحات در ایران را گوشزد می‌کند.

## دولت ملی

ملک‌خان معتقد است دولت ملی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های حکومت‌مندی مدرن محسوب می‌گردد که بعد از اتمام سلطنت یک فرد، همچنان باقی بماند و قوی‌تر شود. او در تحلیل خود اوضاع ایران را خوب نمی‌داند، اما شاه را به‌عنوان یک بازیگر نظام سیاسی مقصر این بی‌نظمی‌ها برنمی‌شمرد. وی راه‌حل را در اصلاح وضع امور دولت می‌داندست و به جهت اصلاح امور دولت شرط اول را در باقی ماندن دولت در استقلال ذکر می‌کند (ملک‌خان، پ ۱۳۲۵، ۱). به این ترتیب ملک‌خان در تحلیل خود اصلاح اوضاع ایران را با اصلاح حکومت آغاز می‌کند و شرط اصلی این امر را در اقتباس شیوه اصول حکومت مغرب زمین، بدون دخالت و تصرف اندیشه‌های وطنی می‌داند.

ملک‌خان در تکنیک خود، دولت را در معنای حکومت به کار برده و حکومت را دستگاهی می‌داند که در میان یک ملت مستقل منشأ امر و نهی می‌شود (ملک‌خان، ۱۲۷۶، ۱۶). طبق این تعریف، حکومت ویژه ملت مستقل و متمدن است که بیانگر برداشت جامعه‌شناسانه او از حکومت است؛ زیرا حکومت در جامعه‌ای پدید می‌آید که به درجه معینی از تکامل رسیده باشد و تقسیم کار و تنوع گروهی نیاز به حکومت را ایجاب می‌کند (اصیل، ۱۳۷۶، ۸۷). در تحلیل حکومت‌مندی ملک‌خان، حکومت در معنای کلی و انتزاعی به جای دولت به کار می‌رود، به‌گونه‌ای که در عرصه سیاسی و در میان فیلسوفان سیاسی غرب که ملک‌خان متأثر از آرای آنها بود، هیچ فیلسوفی را سراغ نداریم که چنین تعریف عامی از حکومت ارائه کرده باشد. او در تحلیل خود حکومت را به دو نوع تقسیم می‌کند:

**۱- حکومت سلطنت:** در این نوع از حکومت «اگر کل حکومت در دست یک نفر باشد و اجرای حکومت در خانواده آن حکومت موروثی باشد». ترکیب آن حکومت را سلطنت می‌نامد.

**۲- حکومت جمهوری:** در این نوع حکومت نیز «اگر حکومت یک طایفه بر مبنای قرار معین، به‌طور نوبت به نوبت به افراد منتقل شود» (ملک‌خان، ۱۲۷۶، ۱۷). ترکیب آن حکومت را جمهوری می‌نامند. سپس وی به دوروش حکمرانی (اداره اختیاری و قانونی) در فرنگ توجه می‌کند:

۱- **اداره اختیاری:** اداره اختیاری به این معنی است که عمال دیوان در طریقه اجرای حکم دولت مختار هستند.

۲- **اداره قانونی:** اداره قانونی به این معنی است که عمال دیوان در طریقه اجرای حکم دولت اصلاً اختیار ندارند.

وی در مورد اوضاع ایران و کشورهای فرنگی معتقد است که بنیان حکمرانی در ایران بر اداره اختیاری است. یعنی وقتی پادشاه یک حکم می‌کند عمال دیوان مختار هستند که حکم پادشاه را به هر قسمی که خود می‌خواهند مجری بدارند. از سوپی دیگر حکمرانی دول فرنگ را بر اداره قانونی می‌دانست، یعنی تکلیف عمال به حکم قوانین صریح به نوعی محدود و معین است که در اجرای حکم دولت به هیچ طریق نمی‌توانند به قدر ذره دخل و تصرف نمایند. این دو نوع اداره نقطه مقابل یکدیگر هستند (طباطبایی، ۱۳۲۷، ۱۰۶-۱۰۵). ملکم بعد از تشخیص مانع اصلی (غیرمنظم بودن حکمرانی) اعتقاد خود را به سمت اصول حکمرانی می‌برد که بسیار مهم است. از جمله این اصول، تفکیک مقام مجری و شخص مجری است که در شکل‌گیری اندیشه سیاسی مدرن و پایه‌های حقوق عمومی نقش بنیادین داشته است.

ملکم خان افزون بر تقسیم‌بندی حکومت‌ها به جمهوری و سلطنتی، بر پایه چگونگی به‌کارگیری و اعمال قدرت در هر نظام سیاسی، برای نشان دادن حکومت بهتر و برتر برای جامعه ایران می‌کوشد و برای هر حکومت، دو گونه اختیار را از هم جدا می‌کند. به این ترتیب وی نظام سلطنتی را بر مبنای اختیارات حکومتی (وضع قانون و اجرای قانون) بر دو نوع می‌داند:

۱- **سلطنت مطلق:** در هر حکومتی که هم اختیار وضع قانون و هم اختیار اجرای قانون در دست پادشاه است، ترکیب حکومت را سلطنت مطلق می‌گویند، نمونه این نوع از سلطنت را مانند سلطنت روس و عثمانی می‌داند.

۲- **سلطنت معتدله:** حکومتی که اجرای قانون با پادشاه و وضع قانون با ملت است را سلطنت معتدله می‌نامد و نمونه آن حکومت را در انگلیس و فرانسه ذکر می‌کند (ملکم خان، ۱۲۷۶، ۱۷). به عبارتی ملکم خان این سلطنت معتدله را همان سلطنت مشروط می‌داند.

ملک‌خان نظم و پیشرفت حکومت را به جدایی این دو اختیار حکومت می‌دانست و معتقد بود که در سلطنت‌های معتدل به جهت حفظ مفارقت این دو اختیار تدابیر دقیق و دستگاه‌های معظم دارند (ملک‌خان، ۱۲۷۶، ۱۷). دیدگاه ملک‌خان درباره نظام‌های سلطنتی مطلق بسیار دقیق و جزئی است که این نوع نظام را نیز به دو نوع تقسیم می‌کند: سلطنتی مطلق منظم و دیگری سلطنت‌های مطلق غیرمنظم.

**۱- سلطنت مطلق منظم:** در سلطنت‌های مطلق منظم مثل روس و اتریش و عثمانی اگرچه پادشاه هر دو اختیار حکومت را کاملاً به دست خود دارد، ولی به جهت نظم دولت و حفظ قدرت شخصی خود این دو اختیار را هرگز با هم استعمال نمی‌کند.

**۲- سلطنت مطلق غیرمنظم:** از نظر ملک‌خان در سلطنت‌های مطلق غیرمنظم فرق این دو اختیار را نفهمیده‌اند و هر دو را با هم استعمال می‌کنند. سپس وی به این نتیجه می‌رسد که در هر سلطنتی که این دو اختیار با هم استفاده شده، وزرا همیشه بر سلطان مسلط بوده‌اند (ملک‌خان، ۱۲۷۶، ۱۸). ولی در سلطنت مطلق هر قدر این دو اختیار جدا باشد قدرت پادشاه بیشتر و دستگاه حکومت منظم‌تر است.

با توجه به شرایط ایران ملک‌خان ناچار بود شکل خاصی از حکومت را برای ایران عصر ناصری تعیین کند. وی حکومت مطلقه منظم را برای ایران مطلوب می‌انگارد (شاه‌محمدی، ۱۳۹۴، ۱۱۰). او در مورد مطابقت حکومت‌های سلطنتی منظم با وضعیت ایران معتقد است که اوضاع سلطنت‌های معتدل برای ایران اصلاً مناسب نیست و چیزی که برای ما لازم است، تحقق اوضاع سلطنت‌های مطلق است (ملک‌خان، ۱۲۷۶، ۱۸). البته ملک‌خان برای ایران دوره قاجار در زمان‌های مختلف دیدگاه‌های حکومتی مختلفی را مطرح می‌کند که با بررسی موقعیت زمانی ارائه این دیدگاه‌ها، می‌توان به شخصیت ملک‌خان پی برد. او در ابتدا دوره قاجار، حکومت سلطنت مطلقه را پیشنهاد می‌کند اما بعد از ماجرای لاتاری، حکومت مشروطه مبتنی بر قانون را انتخاب کرد (ملک‌خان، ۱۳۰۷، ش ۲، ۶). در دوره بعد از زندگی خود، معتقد است اداره امور دولت بعد از این تماماً بر مشورت فضلا و بر متانت متابعت اصول شریعت خدا خواهد بود (ملک‌خان، ۱۳۰۸، ۲). در گام بعدی به منظور تحریک جامعه شیعی ایران و در رأس آن روحانیون علیه حکومت ناصرالدین‌شاه، نظریه دولت شیعی عدم مشروعیت سلطنت را مطرح



ساخت (شاه‌محمدی، ۱۳۹۴، ۱۱۱-۱۱۰). در نهایت ملک‌خان در روزنامه قانون، برانداختن حکومت عرفی و برپایی حکومت شرعی را توصیه می‌کند (ملک‌خان، ۱۳۰۷، ش ۴، ۲). ملک تلاش دارد تا بر اساس الگوی حکومت‌مندی در غرب، گونه‌شناسی از انواع حکومت ارائه دهد، تا با برشمردن ماهیت حکومت قاجار به ارائه الگوی بدیل بپردازد.

## قانون اساسی

ملک‌خان یکی از اولین و شاید مهم‌ترین نمایندگان تجددطلبی در ایران است. اساس اندیشه‌هایش را قانون‌گرایی تشکیل می‌داد. او به‌عنوان شخصیتی قانون‌گرا شناخته شده بود که راز عقب‌ماندگی کشور ایران را در نبود قانون می‌دانست (مزینانی، ۱۳۸۹، ۲۴۳). به عقیده ملک‌خان همه مشکلات ایران با رژی می‌بر پایه قانون وضع خواهد شد. وی قانون را نه قوانین الهی بلکه تجربه انسانی و دست‌ساخته بشر می‌داند. او بارها در قانون به تمجید از اسلام پرداخت. اسلام را جامع جمیع حقایق دنیا می‌دانست و انوار شرع اسلام را برای آسایش و ترقی ملل کافی می‌دانست (ملک‌خان، ۱۳۸۱، ۳۵۳). همچنین او تلاش می‌کرد تا میان مبانی دینی و تجدد ارتباط برقرار کند.

ملک‌خان با طرح کلمه جدید قانون و با انتشار روزنامه‌ای با همین نام، این ضرورت مبرم را عنوان کرد که ایران نیازمند حکومت قانون و برابری افراد در برابر آن است. وی در تعریف قانون معتقد است هر حکمی که از حکومت صادر شود و مبتنی بر صلاح عامه باشد و اطاعت آن بالمساوی بر همه افراد لازم باشد آن حکم را قانون می‌گویند (ملک‌خان، ۱۲۷۶، ۱۷). ملک طرح اصلاح حکومت ایران را با بحث در لزوم استقرار حکومت قانون آغاز می‌کند. او در بیشتر رساله‌های خود و در اکثر شماره‌های روزنامه قانون به بحث قانون و ضرورت آن توجه کرده است. در زمینه اهمیت قانون وی برای اصلاح حکومت ایران ضرورت استقرار حکومت قانون مشروع را مطرح می‌کند و در این باره می‌گوید: «نظم دستگاه دولت ممکن نیست مگر به واسطه ترتیب قوانین. وضع قوانین ممکن نیست مگر به واسطه ترتیب دستگاه قانون. پس به جهت نظم و رفاه ایران اول کاری که داریم آن است که یک دستگاه قانون فراهم کنیم» (ملک‌خان، ۱۳۸۱، ۱۲۴). به باور او راه تحول وضعیت ایران در استقرار قانون است.

از نگاه او قانون به واسطه انبیا و حکما نوشته شده و حاضر است. وی اصول کامل قوانین را در شرع اسلام می‌بیند؛ لذا تنها راه حل را اجرای آنها می‌داند (ملک‌خان، ۱۳۰۷، ش ۱، ۲). به این ترتیب علت عقب‌ماندگی ایران را در ناآگاهی علما و عقلا در نحوه اجرای قانون می‌داند. وی همه ترقیات و آسایش سایر ملل را از استقرار قوانین می‌داند. او از آثار وضع قانون در ایران را حفظ حقوق شخصیه، امنیت جان و عرض و مال و آزادی بدن، آزادی زبان و قلم، اصلاح مکتب‌خانه‌ها و... می‌داند (ملک‌خان، پ ۱۳۲۵، ۶۰-۵۸). او توصیه می‌کند که باید ایران را طوری مملو از صدای قانون نمایند که کل صنوف مردم در طلب قانون هم‌رأی، هم‌زبان و همدست بشوند.

او همچنین مجلس شورای دولت را برای قانون لازم می‌داند (ملک‌خان، ۱۳۰۷، ش ۲، ۳). وی برای این مجلس اختیاراتی را برمی‌شمرد. از نظر او برای اینکه شورای دولت ایران معنی پیدا کند دو شرط لازم است: شرط اول، حقوق و قدرتی که لازمه این مجلس است باید به این مجلس داده شود. مجلس شورا باید اختیار کامل داشته باشد که بر جمیع مصالح بزرگ دولت به آزادی مذاکره و بر هریک از مواد لازمه با اکثریت آرا و به تصدیق پادشاه قوانین وضع کند. شرط دوم این است که اجزای مجلس شورا باید از مواجب و شأن و منصب به طوری مستغنی و به خصوص به قسمی مطمئن باشند که بدون هیچ واهمه بتوانند با آزادی مشغول مذاکرات امور دولت بشوند (ملک‌خان، ۱۳۰۷، ۴-۳). از این رو مجلس در استقرار قانون در کشور جایگاه ویژه‌ای دارد. وی برای تنظیم دولت معتقد به قوانین متعدد است که در رأس آن قانون اعظم است (ملک‌خان، ۱۳۰۷، ش ۴، ۲). ملک‌خان برای تنظیم دولت معتقد به قوانین متعدد است و در رأس آنها قانون دیگری است که مبدأ کل قوانین است و آن قانون اعظم است که در «معنی و مقصود قانون اعظم این است که یک دولت به حکم آن قانون طوری ترتیب بیاید که قدرت وزارت و عنان مصالح دولت فقط به دست آن اشخاص بیفتد که افضل و اعلم و اکمل قوم محسوب می‌شوند» (ملک‌خان، ۱۳۰۷، ش ۴، ۲). از این رو قانون را همان قانون شریعت معرفی کرده (ملک‌خان، ۱۳۰۷، ش ۶، ۱) که بهترین قانون است. قانون مدون و عرفی مهم‌ترین محور اندیشه ملک را تشکیل می‌دهد. در اندیشه ملک وضع قانون، راه عرفی‌سازی عرصه سیاسی است. او با این عمل درصدد است تا اراده شاه را به‌عنوان تنها منبع صدور قانون را مشروعیت‌زدایی کرده و بر اراده ملت به‌عنوان مرجع مشروعیت قانون تأکید کند.

## تفکیک قوا

یکی از اهداف اصلی ملکم‌خان در جهت تحقق عدالت، قانون، نظم و اقتدار بخشیدن به سلطنت، القای تدریجی اندیشه تفکیک قوا است. در این راستا مسئله اصلی از نظر او تفکیک قوه اختیار وضع قانون از اختیار اجرای قانون است. یعنی مجلس قانون وضع کند و وزرا آن را اجرا کنند. استناد به این سخن وی که «اختیار وضع قانون را از اختیار اجرای قانون جدا نمایند. به طوری که این دو اختیار به هیچ وجه مخلوط هم استعمال نشود، یعنی مجلس قانون وضع قانون بکند... و وزرای آن دولت اجرای قانون بکند» (ملکم‌خان، پ ۱۳۲۵، ۶۴-۶۵). نشانگر اندیشه وی در مورد تفکیک قوا است.

لازم به ذکر است که اندیشه تفکیک قوا در اندیشه ملکم وجوه تکاملی نسبت به روشنفکران پیشین یافته است. به باور او «وجود قانون در هیچ ملک ظاهر نمی‌شود مگر به همدستی سه قدرت جداگانه: اول قدرت وضع قانون، دوم قدرت اجرای قانون، سوم قدرت مراقبت اجرای قانون» (ملکم‌خان، ۱۳۰۷، ش ۲۴، ۶۴). او در مورد تحصیل قانون و اجرای آن معتقد به برقراری مجلس شورای ملی است که «باید اقلاً صد نفر از مجتهدین و فضلاء نامی و عقلای معروف ایران را در پای تخت دولت در یک مجلس شورای ملی جمع کرد و به آنها مأموریت و قدرت کامل داد که اولاً آن قوانین که از برای تنظیم ایران لازم است تعیین و تدوین و رسماً اعلام نمایند. ثانیاً... خود را... مواظب و مراقب و موکل اجرای قانون قرار بدهند» (ملکم‌خان، ۱۳۰۷، ش ۶، ۲). از مهم‌ترین وجوه اندیشه ملکم‌خان تلاش برای نهادسازی و تأکید ایجاد نهادهای مدرن است. هرچند او قانون را عامل خروج از عقب‌ماندگی ایران می‌داند؛ اما لازمه مؤثر بودن آن را تصویب و حراست از آن از سوی نهاد مجلس و از سوی نخبگان می‌داند.

## نهادهای علمی

ملکم‌خان به تغییر خط اعتقاد داشت و به این باور رسید که اختراع خط جدید می‌تواند کلید علم و دانش تلقی شود و نه تنها قادر است مشکلات ایران، بلکه مشکلات کشورهای اسلامی دیگر را نیز رفع کند. از این رو اصلاح خط را لازمه تحول جامعه ایران می‌داند. ملکم‌خان از علل عقب‌ماندگی و وجود اختلاف در بین ایرانیان را نقص الفبا و زبان برمی‌شمارد و استیلائی یک زبان واحد را برای حصول وحدت

ملی لازم می‌داند (ملک‌خان، ۱۳۲۵، ۱۰۲). وی وضعیت خط ایران را خیلی معیوب می‌داند و معتقد است با این خط، ایران نمی‌توان به سمت پیشرفت گام بردارد و معتقد است با این خط ایران نمی‌تواند به سمت پیشرفت گام بردارد: «وضع خطوط ملل اسلام زیاد از حد معیوب است و با چنان خط محال خواهد بود که ملل اسلام بتوانند به درجه حالیه فرنگستان ترقی نمایند... احیای ملل اسلامی ممکن نخواهد بود مگر اینکه وضع الفبای خود را، یعنی اولین آلت تحصیل علم را، موافق این عهد سهل نمایند» (ملک‌خان، ۱۳۸۱، ۴۱۶). در واقع او نیز مانند روشنفکران پیش از خود بر اصلاح خط به عنوان یکی از عوامل تحول در ایران تأکید داشت. هرچند وی معتقد به تغییر کلی الفبا نیست، بلکه معتقد است که فقط باید معایب آن را اصلاح کنند (ملک‌خان، ۱۳۲۵، ۱۱۶). بعدها او ترقی مردم را در اصلاح الفبا برمی‌شمارد و در این باره می‌گوید: «مقصود این است که خلق و دولت باید ترقی بکنند و این با الفبای شما حاصل نخواهد شد. ما نمی‌گوییم به محض اصلاح الفبا جمیع کارها درست خواهد شد. می‌گوییم ترقی ما بدون اصلاح الفبا ممکن نیست» (ملک‌خان، ۱۳۸۱، ۴۱۴). وی همچنین به تأسیس نهادهای آموزشی نیز اهمیت می‌دهد. به باور او قسمت بزرگ امیدهای ایران بسته به نظم و رونق مدارس است (ملک‌خان، ۱۳۰۷، ۲، ۶). به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که ملک‌خان اهمیت بیشتری به مسئله الفبا و اصلاح خط می‌دهد و آن را در کنار تأسیس مدارس نوین راه خروج از عقب‌ماندگی می‌داند.

## دموکراسی

ملک‌خان معتقد به دموکراسی است؛ از این رو امور یک دولت را فقط به اراده پادشاه نمی‌داند، بلکه به عقیده او مردم نیز باید در آن نقش داشته باشند. به این ترتیب به مردم توصیه می‌کند که با هم متحد شوند (ملک‌خان، ۱۳۰۷، ۶، ۲). وی معتقد است که خداوند سعادت انسان‌ها را به دست خودشان واگذار کرده است (ملک‌خان، ۱۳۰۷، ۲۱، ۱). لذا خواستار مشارکت مردم در امور سیاسی است. او وجود افراد نالایق را ناشی از عدم حضور مردم در امور سیاسی می‌داند (ملک‌خان، ۱۳۰۷، ۲، ۷). در این راستا به تخصص‌گرایی توجه ویژه‌ای دارد و در تعریف آن معتقد است «برتری هر کس به واسطه افزونی هنر او باشد و این فزونی یا در علم است یا در عمل»، وی در این باره به آیه «ان اکرمکم عندالله اتقیکم» استناد می‌کند (ملک‌خان، ۱۳۰۰، ۸۲). از این رو شایسته سالاری از نکات مورد تأکید اوست.

ملک‌خان بر واژه ملت تأکید می‌کند و وجود ملت را برای دولت لازم و ضروری می‌شمارد و نتیجه می‌گیرد در صورت نبود ملت، دولت نابود می‌گردد (ملک‌خان، ۱۳۰۷، ش ۲۲، ۲). وی مردم را توصیه به قانون می‌کند و مردم را دارای قدرت مراقبت از قانون برمی‌شمارد و در این راستا به صدر اسلام توجه دارد که مردم با قاعده امر به معروف و نهی از منکر در امور حکومت دخالت داشتند (ملک‌خان، ۱۳۰۷، ش ۲۴، ۲). وی به مسئله مشورت نیز توجه دارد و اینکه مردم در صدر اسلام حق داشتند در امور مملکت به مشاوره پردازند (ملک‌خان، ۱۳۰۰، ۶۱). او تأکید می‌کند که حضرت محمد(ص) در امور بر جماعت تأکید می‌کردند و بدون مشاورت از اصحاب خود دست به کاری نمی‌زدند (همان، ۷۳-۷۲). ملک‌خان اشاراتی نیز به حقوق مردم دارد که نشان از اندیشه دموکراسی‌خواهی وی است.

### جامعه مدنی

ملک‌خان یک لیبرالیست تمام‌عیار است. برخی او را اولین لیبرال ایران و نماینده این طرز تفکر در کشور ما دانسته‌اند. وی برای تحقق این شرایط، طرفدار آزادی بود. او در رساله ندای عدالت می‌گوید: «از برای توضیح معنی آزادی اول باید این معنی را فهمید که در عالم هیچ حق و هیچ تکلیفی نیست که حد معین نداشته باشد و حد آزادی این است که آزادی هیچ‌کس به حق هیچ‌کس خلی وارد نکند» (ملک‌خان، ۱۳۲۳، ۱۸). او آزادی را وسیله‌ای می‌داندست که باعث تصادم اندیشه‌ها و در نتیجه ظهور تمدن و موجب ترقی می‌گشت. البته او طرفدار آزادی محدود و قانونی بود نه آزادی نامحدود و بی‌قید و شرط.

ملک‌معنای آزادی را موقوف به شناخت حدود آن می‌داند. از نظر او آزادی این است که افراد انسانی به حقوق یکدیگر خلی وارد نیاورند. او حقوق و آزادی‌های فردی را در رساله‌ای تحت عنوان صراط المستقیم به شیوه‌ای منظم شرح می‌دهد. وی برای انسان اختیاراتی را برمی‌شمارد و این اختیارات را مصادف با آزادی معنی می‌کند. وی افرادی که به بیع و... در قید رقبت درمی‌آیند، آزاد کردن آنها را بزرگ‌ترین ثواب می‌داند (ملک‌خان، ۱۳۰۰، ۶۷). ملک‌خان انواع آزادی را در شش نوع تقسیم می‌کند و در مقوله‌های اختیار بدن، اختیار زبان، اختیار قلم، اختیار خیال، اختیار کسب و اختیار جماعت برمی‌شمرد (ملک‌خان، ۱۳۰۰، ۶۷). که در ادامه به توضیح آنها پرداخته می‌شود:

۱- **اختیار بدنی:** از نظر وی اختیار بدنی یعنی هرکسی اختیار بدن خود را داشته باشد و فقط یک استثنا قائل است، آن‌هم زمانی که نفس خود را اجیر دیگری کرده باشد.

۲- **اختیار زبان:** ملک‌خان در مورد آزادی گفتار معتقد است هر کس حق دارد اگر برخلاف قانون در حق کسی اجحاف دید آزادانه بتواند بگوید و این آزادی را داشته باشد تا با هرچه به نفع یا ضرر مردم است موافقت یا مخالفت نماید. وی این مورد را در شریعت پیامبر(ص) امر به معروف و نهی از منکر می‌داند.

۳- **اختیار قلم:** وی از فواید آزادی قلم، وجود نظم و قانون در جامعه را ذکر می‌کند و در راستای آثار این آزادی معتقد است «اگر متعددی بخواهد خلاف قانون رفتار کند، از اندیشه و خوف آن‌که خواهند گفت و خواهند نوشت، اقدام برخلاف نخواهد کرد و مفسد عدم این اختیار وقوع عکس مطلوب است» (ملک‌خان، ۱۳۰۰، ۶۸).

۴- **اختیار خیال:** در خصوص آزادی افکار و عقاید معتقد است که «هرکس در هر مذهبی که هست، کسی معترض او نشود و خیالات او اگر موافق قانون نظام عالم است. فیها المراد و اگر نیست، مادامی که به فعلیت درنیامده، مورد بحث نباشد» (ملک‌خان، ۱۳۰۰، ۶۹).

۵- **اختیار کسب:** از نظر ملک‌خان آزادی کسب یعنی هرکسی این آزادی را داشته باشد که به هر کسبی که علاقه دارد پردازد و مورد ممانعت قرار نگیرد.

۶- **اختیار جماعت:** آزادی جماعت یعنی «مردم آزادی آن را داشته باشند که از برای مزید الفت و یا مشاورت در امور و یا انجام اموری که خیر و نفع ملت و مملکت است یا دفع شرور، در محلی جمع شوند» (ملک‌خان، ۱۳۰۰، ۷۰).

ملک‌خان در میان این مقولات برای آزادی قلم، آزادی افکار و عقاید اهمیت زیادی قائل است. وی این نوع آزادی‌ها را عامل اساسی پیشرفت و استقلال کشور دانسته و از آنها تحت عنوان سلطان کره زمین یاد می‌کند (شاه‌محمدی، ۱۳۹۴، ۱۱۶). وی آزادی قلم را از لوازم استقرار دموکراسی برمی‌شمارد.

## حقوق بشر

ملکم‌خان ایده‌های ترقی‌خواهانه درباره زنان، جنسیت و مسائل دیگر را مطرح می‌کند. او هم‌وطنانش را تشویق می‌کند که در مسئله آموزش زنان بکوشند؛ زیرا زنان نخستین آموزگاران کودکان هستند و آموزش زنان به معنای اصلاح و توسعه جامعه است: «زن‌ها مربی اطفال و به این واسطه خلاق ملت هستند. در تربیت و تکریم آنها به قدر قوه بکوشید و آنها را همه جا مشوق غیرت و زینت آدمیت قرار بدهید» (ملکم‌خان، ۱۳۰۷، ش ۱۳، ۴). ملک‌خان در روزنامه قانون درباره حق زنان می‌نویسد که زنان ایرانی در انسانیت جلوتر از مردان ایرانی هستند؛ زیرا آنها فواید انسانیت را درک کرده‌اند، درحالی‌که مردان از آن بی‌خبرند (ملکم‌خان، ۱۳۰۷، ش ۷، ۳). وی عقل زنان را از مردان بیشتر می‌داند و در این خصوص می‌نویسد: «چنان اتفاق افتاده که اغلب زن‌های نجبای ما برحسب عقل و تدبیر از مردهای این عصر خیلی پیش افتاده‌اند معنی و محسنات آدمیت را هم به مراتب بهتر از مردها یعنی بهتر از نامردهای ما درک کرده‌اند» (ملکم‌خان، ۱۳۰۷، ش ۱۰، ۲). علی‌رغم تأکید ملک‌خان بر ضرورت توجه به زنان و نگاه برابر در برابر مردان، برنامه‌ای برای حضور سیاسی-اجتماعی آنان ارائه نمی‌دهد. در واقع او هرچند ایده‌های نوپی در خصوص ضرورت وجود حقوق برابر و آموزش برای زنان مطرح می‌کند و این مسائل در جامعه آن روز که زن را ضعیفه و فاقد حقوق اجتماعی می‌دانستند تحول است، اما اندیشه او با توجه به تأکید بر قانون و نهادهای مدنی، گامی در این زمینه در خصوص زنان مطرح نمی‌کند.

## موضوعات محوری رویکرد حکومت‌مندی

### عقلانیت‌ها/خردهای حکومت

ملکم‌خان از جمله افرادی بود که برای پیشبرد افکار تجددخواهانه خویش، خود را طرفدار اسلام نشان می‌داد. وی تلاش می‌کرد تا اندیشه‌های غرب‌گرایانه خود را به گونه‌ای در نظر مردم ارائه دهد که هیچ‌گونه تضادی با اسلام نداشته باشد. استفاده ملک‌خان از اسلام برای آن بوده است که افکار وی در میان مردم با مخالفت روبه‌رو نشود (ساسانی، ۱۳۸۸، ۱۲۹). ملک‌خان هم واقف به اخذ تمدن جدید و کسب علوم نوین بود و هم به ریشه‌داربودن دین در انسان و تاریخ و نقش و اهمیت آن در تحولات اجتماعی کشورهایی مانند ایران آگاه بود. لذا سعی می‌کرد به‌طور

مسالمت‌جویانه با آنها کنار بیاید (گودرزی، ۱۳۸۳، ۱۶۰). وی علت پیشرفت نکردن دیگر کشورها را در این می‌داند که از اسلام غافل شده‌اند (ملک‌خان، ۱۳۰۷، ش ۲۵، ۲). به باور او تجدد غربی با دین اسلام منافاتی ندارد.

ملک‌م سعی دارد که با الگوگرفتن از غرب، اندیشه رنسانس دینی را برای ملل اسلام توجیه کند و به مردم و علما بفهماند که تمدن، تجدد، علم و دانش امروزی و راه‌آهن و کشتی بخار لازمه زندگی‌اند و تبیینی با اسلام ترقی‌خواهانه او (پروستانیسم اسلامی) ندارد (گودرزی، ۱۳۸۳، ۱۶۹). وی درصدد تلفیق فرهنگ دینی با دستاوردهای دانش و تجارب بشری غرب بود (ملک‌خان، ۱۳۸۱، ۳۵۳). بنابراین او ارزش‌ها و اندیشه‌های غربی را ارج می‌نهد. دیدگاهش در مورد اسلام نشان می‌دهد که نه از نقش اساسی و پیچیده اسلام در جامعه ایران آگاه بود و نه از کشمکش ضمنی آن با تجدد. در عوض، اسلام را فقط وسیله‌ای برای ایجاد نوعی برنامه عمل سیاسی می‌دید (قیصری، ۱۳۹۳، ۳۹). او تمام امور را در اسلام مبتنی بر دین برمی‌شمارد. وی معتقد است که اسلام جامعه مادی را از جامعه معنوی تفکیک نمی‌کند و تمام جامعه بنا بر اصل واحد دینی اداره می‌شود (ملک‌خان، ۱۳۸۱، ۱۶۱). از این‌رو اسلام منافاتی با دستاوردهای تمدن جدید ندارد.

بنابراین نگاه ملک‌م به دین از دریچه علوم غربی است. او دین را به‌عنوان یک نهاد با کارکردهای خاص خود در کنار سایر نهادهای دیگر در نظر داشت. پارادایم ملک‌م یک پارادایم علمی و تجربی است که از اروپای غربی اخذ شده بود (گودرزی، ۱۳۸۳، ۱۵۸). ملک‌م به اعتقادات مذهبی مردم پی برده بود و احساس می‌کرد که اگر تجددطلبی در تعارض علنی با این اعتقادات باشد شانس موفقیتی ندارد، حال آنکه همین تجددطلبی اگر سازگار با باورهای مذهبی و از طریق همین باورها ارائه گردد، به راحتی پذیرفته می‌شود (غنی‌نژاد، ۱۳۷۷، ۲۰). ملک‌خان درباره رابطه دین و علم تفکری مانند اندیشمندان دین‌ستیز غرب داشت. از نگاه وی دین و علم در مقابل یکدیگرند و هیچ‌گونه سازگاری با هم ندارند. از سوئی وی علم را بالاتر از عقل می‌شمارد (ملک‌خان، ۱۲۷۶، ۱۰). به نظر او راه ترقی و رسیدن انسان به مدارج پیشرفت در استفاده از عقل و ره‌ساختن این عقل از قیدوبند اسارت و حبس ابدی است (ملک‌خان، ۱۳۰۰، ۵). توجه به عقل در اندیشه او جایگاه ویژه‌ای دارد. از این‌رو افراد را در مراتب دانش و عقل متفاوت می‌داند. بنابراین لازمه پیشرفت ایران را اخذ علوم و تمدن غرب ذکر می‌کند.



## تکنیک‌های حکومت

ملکم‌خان در اندیشه خود تکنولوژی‌هایی برای نظام سیاسی برمی‌شمارد که این تکنیک‌ها وسیله‌ای در دست حکومت، برای اعمال صحیح قدرت در جامعه است. از جمله این تکنیک‌ها تفکیک قوا و تشکیل مجلس هم‌ارز میان مجتهدان و مجلس تنظیمات است. از تکنیک‌های مورد بحث وی تفکیک قوه مجریه و مقننه است. وی معتقد است که حکومت باید «اختیار وضع قانون را از اختیار اجرای قانون جدا نمایند. که این دو اختیار به‌هیچ‌وجه مخلوط هم استعمال نشود» (ملکم‌خان، پ ۱۳۲۵، ۶۵-۶۴). تأکید بر وضع قانون از سوی مجلس و اجرای آن توسط دولت از جمله نکات مورد توجه ملکم است. به این ترتیب وی برای محدود کردن قدرت به اعمال این تکنیک در جامعه معتقد است.

ملکم‌خان یکی دیگر از تکنیک‌های در دست حکومت را ایجاد مجلس می‌داند و در این خصوص به مجلس تنظیمات توجه ویژه‌ای دارد. وی معتقد است که باید بیست نفر در مجلس حاضر شوند و کارشان منحصر به نوشتن قانون و مواظبت اجرای قانون باشد (طباطبایی، ۱۳۲۷، ۱۱۱-۱۰۹). مجلس نمایندگان ایده محوری ملکم برای نهادسازی در کشور است تا اختیار تصویب قوانین عرفی و برابر در جامعه تنظیم شود. از طرفی دیگر وی از تشکیل یک مجلس هم‌ارز میان مجتهدین سخن به میان می‌آورد. او ایده تشکیل این مجلس را برای شکستن سلطه طبقه سلطنتی مطرح می‌کند (ملکم‌خان، ۱۳۰۷، ش ۲، ۴). وی وظیفه این مجلس را هم مشارکت در تصمیم‌گیری در امور دولت و ملت می‌داند؛ زیرا معتقد است مملکت باید با مشارکت نمایندگان عرف و شرع اداره شود. در واقع نهادسازی مهم‌ترین تکنیکی است که او برای حکومت برمی‌شمرد.

## سوژه‌های حکومت

ملکم‌خان در راستای سوژه‌های حکومت نیز مباحثی را مطرح کرده و برای هر یک از آنها وظایف و حقوقی را برمی‌شمارد تا به این ترتیب امور به‌طور منظم اداره شود.

**الف- کارگزاران سیاسی:** وی در راستای توضیح سوژه‌های نظام سیاسی، پادشاه را منبع امنیت در جامعه می‌داند که به مردم امنیت مالی و جانی می‌دهد (همان،

ش ۵، ۱). او معتقد است که اطرافیان شاه او را در امور همیاری نمی‌کنند و شاهان نیز باید مانع ترقی ملت نشوند (طباطبایی، ۱۳۲۷، ۱۲۱). وی به رشوه‌خواری و منصب‌فروشی در بین درباریان توجه دارد که همانند بیماری جذام در داخل دولت گسترش یافته است (ملک‌خان، ۱۳۰۷، ش ۴۱، ۳). ملک‌م به وزرا نیز توجه دارد و معتقد است که وزرای هر دولت از مصلحت دولت بهتر آگاه هستند. از این‌رو دو وظیفه اجرا و مشورت در کارها را بر عهده آنها گذاشته است (طباطبایی، ۱۳۲۷، ۱۲۵). وی وزرایی را که هواخواه ترقی هستند می‌خواهد و وزرای نابکار را نفی می‌کند (ملک‌خان، ۱۳۰۷، ش ۲، ۶). او معتقد است که در سایر دول به جهت تحدید حرکات حکمرانی و تعدیل تسلط وزرا قوانین متین و مجالس معتبر برپا نموده‌اند (ملک‌خان، ۱۳۰۷، ش ۴، ۱). از این‌رو به اشتباه بزرگ وزرا در ایران توجه می‌کند و آن این است که از مأموریت علمای اسلام هیچ فایده نبرند. لذا راه‌حل را در این می‌داند که باید فضل و تدین علمای اعلام را در مجلس قوانین حامی حقوق ملت و قوت اوامر دولت قرار داد (ملک‌خان، ۱۳۲۳، ۱۲). ملک‌خان در مورد وزرا بر این مسئله تأکید دارد که هیچ‌وقت حکم پادشاه را به درستی اجرا نکردند (ملک‌خان، ۱۲۷۶، ۲۰) و علت آن را نیز در این می‌داند که گسترش اصلاحات باعث از بین رفتن منافع شخصی وزرا می‌شود، بنابراین آن را انجام نمی‌دهند (ملک‌خان، ۱۲۷۶، ۲۳). وی در مناظره وزیر و رفیق خود رویارویی حاکمان سیاسی با تجدد را به خوبی نشان می‌دهد. او سنت‌گرایی حاکمان سیاسی را به دلایل منافع شخصی آنها می‌داند و معتقد است وزیری که سال‌ها زحمت کشیده و به مقام وزارت رسیده و اختیارات فراوانی دارد، چراسعی می‌کند که برای خود با وضع قانون مانع ایجاد کند و از منافع خود دست بکشد (ملک‌خان، ۱۳۰۴، ۲). وی وزرا را از موانع عقب‌ماندگی جامعه می‌داند. در واقع از نکاتی که از حکومت‌مندی مدرن در غرب الگو می‌گیرد، مسئله هیئت دولت است.

**ب- علما:** در میان روشنفکران، ملک‌دارای جنجالی‌ترین دیدگاه در مورد علما و نهاد روحانیت است. زیرا در طول دوران زندگی خود دو دیدگاه متفاوت از علما داشت. در ابتدا آنها را مانع ترقی و علت عقب‌ماندگی کشور می‌دانست (اکبر، ۱۳۹۵، ۱۲۷). در این مقطع از زندگی خود در مورد روحانیون این‌گونه می‌نویسد: «دشمن‌ترین اشخاص برای نظم مملکت و تربیت ملت و اعضای آنها، طایفه علما و فناتیک‌اند» (طباطبایی، ۱۳۲۷، ۱۷۴). او تمامی خرافات و اوهام را از چشم علما می‌بیند و تأسف می‌خورد که چرا علمای ربانی و عرفای سبحانی این همه سخن

در موهوم مطلق می‌رانند و جلوی خرافات را نمی‌گیرند و خود از علوم جدید بی‌اطلاع‌اند (گودرزی، ۱۳۸۳، ۱۶۳). لذا در دوره اول فکری مخالف این گروه بود.

او در دوره بعدی از زندگی خود طرفدار دین بود و در مورد علما این‌گونه بیان می‌کند: «مشعل ارشاد دو عالم در دست علمای اسلام است» (ملک‌خان، ۱۳۰۷، ش ۲۴، ۴). وی علمای اسلام را خدام مخصوص حق و محرمان اسرار سبحانی می‌داند که کلید خزاین معرفت در دست ایشان است. لهذا در کشف حقایق عالم، اصل معنی را باید همیشه از انوار هدایت ایشان بخواهید (ملک‌خان، الف ۱۳۲۵، ۲۱۹). به این ترتیب علمای اسلام را به حکم مأموریت سبحانی، اولیای امانت و ارکان اتفاق ملت معرفی می‌کند (ملک‌خان، الف ۱۳۲۵، ۲۲۶). او از مجتهدین می‌خواهد علیه فساد و استبداد دولت آشکارتر سخن گویند و عنوان می‌کند شما «ائمه قوم خدا» و «مظهر رحمت الهی واقع شده‌اید» و «مشعل طریقت آدمیت» و «بهترین امید عالمیان» هستید نباید در میان توفان بلایی که ملت را احاطه کرده بی‌طرف بنشینید (ملک‌خان، ۱۳۰۷، ش ۹، ۴). وی به این وظیفه بزرگ علما تأکید می‌کند که می‌توانند مردم را علیه استبداد تشویق کنند تا دستگاه استبداد را از بین ببرند (ملک‌خان، ۱۳۰۷، ش ۱۲، ۲). به این ترتیب این مسئولیت بزرگ را بر عهده علما گذاشته است.

## نتیجه

ملک‌خان از جمله روشنفکرانی است که به مؤلفه‌های حکومت‌مندی مدرن توجه داشته است. وی ضمن بیان نظریاتش حکومت ایران را استبدادی دانسته و خواستار تغییر اساسی در ساختار حکومت و دولت بود. او برای خروج از عقب‌ماندگی کشور راه‌حل را در مدرن‌شدن می‌داند. از نظر او جامعه دچار استبداد، بی‌قانونی، فقر و بی‌سوادی است، بنابراین با بهره‌گیری از مؤلفه‌های حکومت‌مندی مدرن این مشکلات حل می‌شود. وی با توجه به تقسیم‌بندی که برای حکومت قائل است، حکومت مناسب برای ایران را حکومت مطلقه منظم معرفی می‌کند. از این‌رو وی در ایده سلطنت معتدله خود معتقد بر قانون بود و واضع قانون را ملت می‌داند و خواستار مشارکت مردم در امور سیاسی بود. البته باید اذعان کرد که دیدگاه حکومتی وی متناسب با زمانش متفاوت است و از حکومت سلطنتی مطلقه تا حکومت مشروطه مبتنی بر قانون متغیر است.

قانون به‌عنوان یک مؤلفه حکومت‌مندی مدرن در اندیشه ملک‌خان همان

قانون شرع است. او معتقد است دین با نفوذ خود در عرصه‌های زندگی بشر می‌تواند به انسجام، وحدت و همبستگی گروه‌ها و قشرهای مختلف جامعه کمک کند و کوشید به سبب مصلحت‌اندیشی برای همانند نشان دادن اسلام و غرب، تفسیری اسلامی از مفاهیم و نهادها ارائه دهد و این باعث شده بود تا برخی تضادها و تعارضات موجود میان نهادها و مفاهیم غربی با اسلام را نادیده بگیرد. او در این راستا به تفکیک سه قوه از یکدیگر معتقد است و توضیحات وی در مورد دو دستگاه اجرا و تنظیم بیانگر این مسئله است. او به انتقاد از وضعیت آموزشی ایران و نقص الفبا و خط می‌پردازد. از این رو به اصلاح خط در ایران تأکید می‌کند. در آثار خود به مسئله آزادی توجه دارد و از میان انواع آزادی بیشتر بر اختیار کلام و اختیار قلم تأکید می‌کند. از نکات مورد توجه وی در بحث حقوق بشر توجه به زنان و برابری در مقابل مردان است. به گونه‌ای که حتی عقل زنان را بیشتر از مردان می‌داند. هرچند او به بسیاری از مؤلفه‌های حکومت‌مندی مدرن و ضرورت کسب و اجرای آن تأکید دارد اما در اندیشه او اشاره‌ای به قرارداد اجتماعی نشده است.

## منابع

۱. آبدی، دون (۱۳۸۸)، **پدیدارشناسی تکنیک**، ترجمه مراد فرهادپور و صالح نجفی، قم، دانشکده ادیان و مذاهب.
۲. اسلامی، روح‌الله (۱۳۹۴)، **دولت مشروطه و حکومت‌مندی مکانیکی، دولت‌پژوهی**، شماره ۱.
۳. اسلامی، روح‌اله و غلامرضا خواجه‌سروی (۱۳۹۲)، **تکنولوژی‌های قدرت در سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست**، شماره ۴.
۴. اصیل، حجت‌اله (۱۳۷۶)، **زندگی و اندیشه میرزا ملک‌خان ناظم‌الدوله**، تهران، نشر نی.
۵. اکبر، علی (۱۳۹۵)، **گفتمان عقب‌ماندگی نزد روشنفکران ایرانی**، تهران، نشر فرزانه روز.
۶. پروکاک، جیوانا (۱۳۸۸)، **شهروندی و حکومت‌مندی، مقاله‌ای از راهنمای جامعه‌شناسی سیاسی کیت نش**، ج ۲، ترجمه محمد خضری، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۷. جلائی‌پور، حمیدرضا و همکاران (۱۳۹۱)، تحلیل سیاست‌گذاری اجتماعی با لنز حکومت‌مندی، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی، سال ۱۹، شماره ۲.
۸. ساسانی، خان‌ملک (۱۳۸۸)، سیاستگران دوره قاجار، تهران، هدایت.
۹. شاه‌محمدی، روح‌الله (۱۳۹۴)، مبانی دولت مدرن در اندیشه متفکران عصر مشروطه، تهران، آدابوم.
۱۰. غنی‌نژاد، موسی (۱۳۷۷)، تجددطلبی و توسعه در ایران معاصر، تهران، نشر مرکز.
۱۱. گودرزی، غلامرضا (۱۳۸۳)، دین و روشنفکران مشروطه، تهران، اختران.
۱۲. قیصری، علی (۱۳۹۳)، روشنفکران ایران در قرن بیستم، ترجمه محمد دهقانی تهران، هرمس.
۱۳. طباطبایی، محمدحیط (۱۳۲۷)، مجموعه آثار میرزا ملکم‌خان، تهران، انتشارات علمی.
۱۴. مزینانی، محمدصادق (۱۳۸۹)، تمایزات مشروطه‌خواهان مذهبی و غربگرا با تطبیق بر انقلاب اسلامی، قم، مؤسسه بوستان کتاب.
۱۵. ملک‌خان (۱۲۷۶)، دفتر تنظیمات یا کتابچه غیبی، تهران، چاپ سنگی-سربی، کتابخانه و موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۱۶. ملک‌خان (۱۳۰۰)، صراط‌المستقیم، تهران، چاپ سنگی، کتابخانه و موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۱۷. ملک‌خان (۱۳۰۴)، رفیق و وزیر، تهران، چاپ سنگی، کتابخانه و موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۱۸. ملک‌خان (۱۳۰۸)، اشتهارنامه اولیای آدمیت، لندن، دفترخانه کمپانی انطباعات شرقی، تهران، کتابخانه و موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۱۹. ملک‌خان (۱۳۲۳)، ندای عدالت، لندن، دفترخانه کمپانی انطباعات شرقی، تهران، کتابخانه و موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۲۰. ملک‌خان (الف ۱۳۲۵)، رساله توفیق امانت ضمیمه در کلیات ملک، تهران، چاپ سنگی، کتابخانه و موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۲۱. ملک‌خان (ب ۱۳۲۵)، رساله شیخ و وزیر ضمیمه در کلیات ملک، تهران، چاپ سنگی، کتابخانه و موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۲۲. ملک‌خان (پ ۱۳۲۵)، رساله غیبیه ضمیمه در کلیات ملک، تهران، نسخه خطی، کتابخانه و موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

۲۳. ملک‌خان (۱۳۰۷)، **روزنامه قانون**، گردآوری‌شده توسط هما ناطق، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۲۴. ملک‌خان (۱۳۸۱)، **رساله‌های میرزا ملک‌خان ناظم‌الدوله**، گردآورنده حجت‌الله اصیل، تهران، نشر نی.
۲۵. یحیوی، حمید (۱۳۹۴)، **کالبدشناسی فوکویی دولت**، **فصلنامه دولت‌پژوهی**، سال ۱، شماره ۳.